

ابعاد چندگانه دکتر مصدق

محمد بسته‌نگار، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۴، احمدآباد

۱- آزادی و استقلال

دیدگاه دکتر مصدق در رابطه با آزادی و استقلال و پافشاری توأمان بر آنها از نامه‌های متعدد ایشان از جمله خطاب به کارگران و سازمان‌های دانشجویی مشخص می‌شود. وی در نامه‌ای به کارگران ایران در خرداد ۱۳۴۳ چنین می‌نویسد:

قرار رسیدن ۲۹ خرداد روز خلع ید از شرکت سابق نفت را که کارگران رنج‌دیده معادن نفت در آن نقش بسزایی داشتند و افتخار جاوید برای همه کارگران ایران به وجود آورده‌اند، به عموم هموطنان عزیز بخصوص کارگرانی که در راه آزادی و استقلال ایران و تجدید پیروزی‌های نهضت ملی‌کوشش می‌کنند تبریک عرض می‌کنم...^(۱)

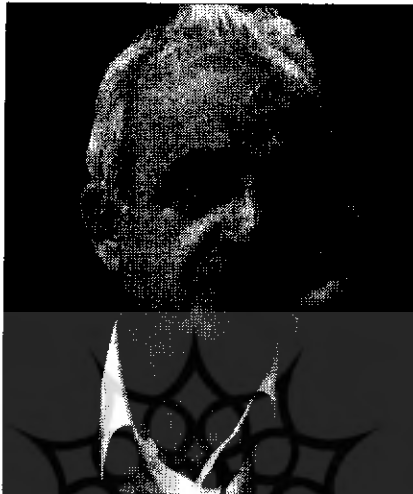
همچنین در پاسخ به نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی به تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ می‌نویسد:

فداکاری‌های شما در راه وطن عزیز موجب افتخار هموطنان است. امید و چشمداشت عموم به فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌هایی است که در راه آزادی و استقلال ایران، وطن عزیز نموده‌اید. از حق نباید گذشت که در این راه از همه چیز صرف‌نظر کرده‌اید...^(۲)

دکتر مصدق در کتاب خاطرات و تألمات خود علت اصلی ملی شدن نفت را به دست آوردن آزادی و استقلال که تجلی حاکمیت ملت ایران می‌باشد می‌داند؛ مبارزه‌ای که ملت ایران نمود... از نظر تحصیل پول نبود بلکه برای به دست آوردن آزادی و استقلال تام بود... یک ملت آزاد [باید] بتواند هر طور که صلاح کار خود را بداند عمل کند، چه بسیار از دول که در آمدی از نفت ندارند ولی از آزادی و استقلال و یک زندگی شرافتمندانه برخوردارند.^(۳)

۲- اجرای اصول مشروطیت در سیاست داخلی و اتخاذ سیاست موازنه منفی در سیاست خارجی

در عمل تلاش دکتر مصدق بر این بود که سیاست داخلی بر اساس اصول مشروطیت و آزادی و سیاست خارجی بر مبنای سیاست موازنه منفی که نفی‌کننده وابستگی به قدرت‌های استعماری و حافظ استقلال کشور است، پایه‌ریزی و اداره شود. بدین جهت در دوره چهاردهم مجلس، پس از شهریور ۱۳۲۰، در ارتباط با پیروزی در انتخابات شورای ملی چنین اعلام می‌کند:



... تلك الايام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين آمنوا و يتخذ منكم شهداء (آل عمران: ۱۴۰)

روزگار چنین است آن را میان مردمان [برای عبرت] می‌گردانیم تا خداوند افراد با ایمان را [در مقام آزمایش] مشخص گرداند و افرادی از شما را الگو و نمونه قرار دهد.

با تحقیق و بررسی در اندیشه دکتر مصدق و بویژه عملکرد او - چه در دوران نمایندگی و چه در هنگام نخست‌وزیری - با شخصیتی روبه‌رو می‌شویم که از هر جهت جامع‌الاطراف و چندبعدی است. وی به هنگام بحث در مسائل اجتماعی و سیاسی و با هنگام عمل

و اجرای اندیشه‌های خود برخلاف برخی از متفکران یا سیاستمداران و زمامداران به گونه‌ای یک بعدی و تک‌ساحتی به مسائل نمی‌نگریست. دکتر مصدق هیچ‌گاه به خاطر مصلحت و یا علل دیگر یکی از این ابعاد را فدای دیگری نمی‌نمود. او به خاطر آزادی، استقلال را فدا نمی‌کرد و به خاطر استقلال نیز آزادی‌های اساسی جامعه را از بین نمی‌برد.

به خاطر توجه به حقوق محرومان جامعه و حل مسائل معیشتی آنها از آزادی‌های فردی غفلت نمی‌ورزید و به بهانه وجود آزادی‌های فردی، تأمین حقوق اقتصادی جامعه و توجه به رفاه حال مردم را به آینده موکول نمی‌کرد. نه به خاطر ایرانیت، اسلام را کنار می‌گذاشت و نه برعکس آن عمل می‌نمود. به‌طور کلی موضوعاتی که دکتر مصدق به طور همه‌جانبه به آنها می‌نگریست را می‌توان در چند اصل بیان نمود:

۱- آزادی در کنار استقلال

۲- اجرای اصول مشروطیت در سیاست داخلی و اتخاذ سیاست

موازنه منفی در سیاست خارجی

۳- تکیه بر دو اصل ایرانیت و اسلامیت در بحث هویت ملی

۴- مبارزات ضد استعماری در کنار مبارزات ضد استبدادی

۵- نگرش به دموکراسی هم از بعد سیاسی و هم از بعد عدالت اجتماعی به گونه‌ای توأمان.

مناسب است در اینجا به‌طور مختصر دیدگاه‌های دکتر مصدق را پیرامون اصول یادشده ذکر نماییم:

من مأموریت موکلان خود را قبول نکردم و به این مجلس یا نگذاشتم مگر برای یک مبارزه مقدس و آن نیل به یک مقصود عالی است. در سیاست داخلی برقراری اصول مشروطیت و آزادی و در سیاست خارجی تعقیب از سیاست موازنه منفی این هدف من بوده و هست و تا بتوانم برای رسیدن به آن مجاهدت خواهم کرد. من که برای انجام وظیفه تاکشته شدن حاضر شده‌ام از تهمت و ناسزا و توهین باکی ندارم...^(۴)

۳. تکیه بر دو اصل: ایرانیت و اسلامیت در بحث هویت ملی

دکتر مصدق در بحث هویت ملی شدیداً سعی می‌نمود با طرح مسئله ایرانیت، به دام ناسیونالیسم افراطی یا شوونیسم گرفتار نشده و ابعاد دیگر قضیه از جمله مذهب را از قلم نیندازد و از همین رو اسلامیت و ایرانیت همواره به گونه‌ای توأمان مورد توجه وی بود.

در مجلس ششم، هنگام مخالفت با وزارت وثوق‌الدوله، عاقد قرارداد ۱۹۱۹، که به موجب تقسیم ایران در جهت منافع دولت بزرگ آن روز می‌شد می‌گوید: هر ایرانی که دیانتمند است و هر کس که شرافتمند است تا بتواند باید روی دو اصل از وطن خود دفاع کند و خود را تسلیم هیچ توده‌ای ننماید که یکی از آن دو اصل اسلامیت است و دیگری وطن پرستی...^(۵)

وی در مجلس چهاردهم نیز نظیر چنین سخنانی را بار دیگر تکرار می‌کند که:

من ایرانی و مسلمانم و بر علیه هر چه ایرانیت و اسلامیت را تهدید کند تا زنده هستم مبارزه می‌نمایم.^(۶)

۴. مبارزات ضد استعماری در کنار مبارزات ضد استبدادی

همچنان که گفته شد دکتر مصدق در کنار مبارزه علیه استعمار و استیلای خارجی به مبارزه علیه استبداد داخلی پرداخته چراکه لازمه آزادی و استقلال در جهت استقرار حاکمیت ملت می‌باشد.

مهم‌ترین شاخصه مبارزات ضد استبدادی دکتر مصدق، مخالفت با سلطنت رضاخانی، مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و سلسله لویحی بود که منجر به تثبیت حکومت دیکتاتوری گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ نیز با اقدامات سلطه‌طلبانه محمدرضا شاه که سعی داشت حاکمیت و سلطه خود را به پشتوانه دولت‌های خارجی در ایران تحکیم نماید، مخالفت می‌کرد.

وی در مورد به سلطنت رسیدن رضاخان چنین می‌گوید: خوب آقای رئیس‌الوزراء سلطان می‌شوند و مقام سلطنت را اشغال می‌کنند آیا امروز در قرن بیستم هیچ‌کس می‌تواند بگوید

که یک مملکتی که مشروطه است، پادشاهش هم مسئول است... هیچ‌کس چنین حرفی نمی‌تواند بزند و اگر سیر قهقرایی بکنیم و بگوییم پادشاه است... رئیس‌الوزراء حاکم همه چیز است این ارتجاع صرف و استبداد صرف است. بنده اگر سرم را ببرند و تکه تکه‌ام بکنند... زیر بار این حرف‌ها نمی‌روم... اگر این طور باشد که ارتجاع صرف است، استبداد صرف است، پس چرا خون شهدای راه آزادی را بی خود ریختند؟! چرا مردم را به کشتن دادید. می‌خواستید از روز اول بیاید بگوییم مادر و غ گفتیم و مشروطه نمی‌خواستیم، آزادی نمی‌خواستیم. یک ملتی است جاهل و باید با چماق آدم بشود.^(۷)

در نتیجه چنین اقداماتی مصدق زندانی و تبعید شد، اما با سقوط دیکتاتوری در شهریور ۱۳۲۰ و رهایی از زندان و بازگشت به پایتخت، نه تنها آرام ننشست، بلکه با پشتیبانی قاطبه مردم ایران به بعد دیگر مبارزه خود که وجهه‌ای ضد استعماری داشت، پرداخت که مبارزه علیه استعمار انگلستان بود و سرانجام این مبارزات منجر به ملی شدن صنعت نفت گردید.

وی مقصود از مبارزه علیه استعمار را از جمله در جواب به پیام وزیر خارجه انگلستان چنین بیان می‌کند: مقصود از ملی کردن صنعت نفت کاملاً روشن است. ملت ایران می‌خواهد از حق حاکمیت ملی خود استفاده و بهره‌برداری از منابع نفت را خود به عهده داشته باشد.^(۸)

همچنین در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی در خرداد ۱۳۳۰ منظور از مبارزات ملت ایران علیه استعمار خارجی را این‌گونه تشریح می‌نماید:

شما آقایان محترم باید به ملل آزاد جهان اعلام کنید که آخرین سعی ملت ایران برای نجات خود و شرق همین اقدام ملی، یعنی مبارزه با مداخلات بیگانگان که بزرگترین آن شرکت سابق نفت است، می‌باشد و ملت ایران برای تسلط بر اوضاع سیاسی و اقتصادی خود ناچار است تا آخرین نفس برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت یعنی قطع ایادی بیگانگان از ثروت ملی و رسیدن به استقلال سیاسی مبارزه کند.^(۹)

دکتر مصدق همگام با مبارزه علیه استعمار خارجی تلاش علیه استبداد داخلی و کوتاه‌تر کردن مداخلات شاه و دربار و ایادی داخلی آنها از امور را نیز از دیده دور نداشته بود. به همین جهت پس از تشکیل مجلس هفدهم و به هنگام معرفی وزرای خود حاضر نشد که اختیار انتخاب برخی از وزرا بخصوص وزارت

دموکراسی‌ای که دکتر مصدق از

آن سخن می‌گفت دموکراسی

در تمام ابعاد آن است؛ چه

دموکراسی در بعد سیاسی و

چه دموکراسی در بعد

اقتصادی و عدالت اجتماعی،

زیرا یکی بدون دیگری معنا

ندارد

دکتر مصدق هیچ‌گاه به خاطر

مصلحت و یا علل دیگر یکی از

این ابعاد را فدای دیگری

نمی‌نمود. او به خاطر آزادی،

استقلال را فدا نمی‌کرد و به

خاطر استقلال نیز آزادی‌های

اساسی جامعه را از بین نمی‌برد

اسفند ۴۴، نوروزین ۱۳۸۵
* آیداز ایران *

جنگ را همانند گذشته به شخص شاه واگذار نماید.

دکتر مصدق با همان دید جامع و چند بعدی خود در کنار مبارزه با استعمار انگلستان و ملی کردن صنعت نفت به ملی کردن شیلات شمال که در آن زمان امتیاز آن در دست دولت شوروی بود پرداخت. مصدق پس از اتمام مدت قرارداد شیلات حاضر به تمدید قرارداد نشد و شیلات را رسماً ملی اعلام کرد.

وی در مبارزات ضد استعماری خود به این مسئله توجه داشت در شرایطی که از مبارزه علیه استعمار انگلیس سر بلند و بیروز بیرون آمده

به دام استعمار امریکا نیفتد؛ همین موضوع بیانگر پیش چند بعدی دکتر مصدق است. در همین راستا در مجلس شانزدهم و در پاسخ جمال امامی که می گفت با امریکا بسازیم می گوید: اما این که فرمودید، وقتی که امریکایی ها با ما همراهی نکنند باید از مرام ملی و استقلال خودمان صرف نظر کنیم بنده هیچ وقت زیر بار این مطلب نمی روم. من آدمی هستم که با این حال کسالت و با تمام ناتوانی خودم تا نفس دارم برای آزادی و استقلال این مملکت مبارزه می کنم و من از این کار صرف نظر نمی کنم. آن ملتی که نوکر و بنده یک کمپانی بشود آن رایک ملت جلورفته نمی گویند. ملت عقب رفته می گویند و بنده ننگ دارم که بگویند به ملت عقب افتاده می خواهند کمک و همراهی کنند، این برای ایران ننگ است.^(۱۱)

مصدق در خاطرات خود در این مورد نیز چنین می نویسد: پر واضح است که دولت امریکا مدافع آزادی و استقلال ایران نبود و می خواست به عنوان جلوگیری از کمونیسم، خود از منافع نفت استفاده کند. همچنان که کرد و آزادی یک ملتی را با چهل درصد از سهام کنسرسیوم معاوضه نمود.^(۱۲)

۱-۲. دموکراسی و عدالت اجتماعی

ویژگی مهم دکتر مصدق در مقوله دموکراسی و حاکمیت ملت نسبت به متفکران و سیاستمداران گذشته این بود که وی توانست این اندیشه را در عمل پیاده کرده و به کار بندد. مصدق دموکراسی را نظام مردم سالاری می دانست که در آن حاکمیت از آن مردم است. از نظر او مردم باید در شرایطی باشند که بتوانند حرف خود را مطرح و آن را وارد مرحله عمل سازند. این است که می گوید: یکی از مزایای دموکراسی آن است که مردم بتوانند به طور آرام اظهار عقیده کنند... ایرانی باید جامعه خودش را خودش اداره کند.^(۱۳)

دکتر مصدق در دادگاه لاهه هنگام دفاع از حقوق ملت ایران چنین می گوید: تصمیم ملی شدن صنعت نفت، نتیجه اراده

سیاسی یک ملت مستقل و آزاد است.^(۱۴)

و در آخرین دفاع خود در مورد حاکمیت ملت و اراده مردم نیز این گونه سخن می گوید: آری من در تمام عمر یک هدف بیشتر نداشته ام و آن این بوده و هست که ملت ایران بتواند مستقل و سرفراز زندگی کند و جز اراده اکثریت هیچ کس بر او حکومت نکند.^(۱۵)

اما دموکراسی که دکتر مصدق از آن سخن می گفت دموکراسی در تمام ابعاد آن است؛ چه دموکراسی در بعد سیاسی و چه دموکراسی در بعد اقتصادی و عدالت اجتماعی، زیرا یکی بدون دیگری معنا ندارد.

به بهانه دفاع از آزادی فردی نمی توان به عده خاصی اجازه داد که به استثمار خلق و طبقات محروم جامعه پردازند و حقوق آنها را پایمال نمایند. از این رو در مجلس شانزدهم در تاریخ ۱/۲۷/۱۳۳۰ در آستانه نخست وزیری خود می گوید: ما می گوئیم که ایران جز از طریق دموکراسی و غیر از عدالت اجتماعی با رویه دیگری اصلاح و اداره نمی شود.^(۱۵)



همچنین دکتر مصدق در گزارشی که در مهرماه ۱۳۳۱ از طریق رادیو تهران به سمع مردم رساند به طور صریح و شفاف گفت که منظور از ملی شدن صنعت نفت در راستای حاکمیت مردم و دموکراسی دو چیز است:

- ۱- آزادی و استقلال
- ۲- عدالت اجتماعی

ملت ایران پس از تحمل رنج ها و شداید بی پایان به اتفاق کلمه در حدود صلاحیتی که هر ملت نسبت به حق حاکمیت خود دارد صنعت نفت را که در داخله کشور ملی کرد و از این کار دو نظر داشته است: ۱- نظر اول این که ریشه نفوذ اجانب و ایادی آنها را از مملکت براندازد و بدین وسیله سرنوشت خود را دست گرفته و استقلال سیاسی مملکت را تأمین کند و با سایر ملل آزادیخواه دوش به دوش در حفظ صلح جهانی همکاری و اشتراک مساعی نماید.

۲- نظر دیگر ملت ایران از این اقدام بهبود اوضاع اقتصادی خود بود... مردم ایران با ملی کردن صنایع نفت خواستند حداکثر منافی را که یک شرکت خارجی در طی سنین متمادی از منابع آنها می برد به خود اختصاص دهند و با جبران بی عدالتی های گذشته و ترمیم خسارات خود در ترفیه حال مردمی که نود درصد آنها را از کلیه مزایای زندگی اجتماعی بشری محرومند کوشش نمایند.^(۱۶)

آزادیخواهی دکتر مصدق در عمل

دفاع دکتر مصدق از آزادی و دموکراسی محدود و منتهی به عالم نظر و فکر نبود. بلکه او در عالم عمل نیز به پیاده کردن نظرات خود پایبند و معتقد بود. به همین دلیل پس از زمامداری اولین اقدام او تأمین

آزادی های فردی بود تا آنجایی که اگر کسی او را مورد انتقاد قرار می داد و یا حتی فحاشی می نمود و حرمت او را نگاه نمی داشت، امنیت و آزادی او را مورد خدشه قرار نمی داد. دوز بعد از نخست وزیری در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰ طی نامه ای به شهر بانی کل کشور می گوید:

شهر بانی کل کشور، در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می شود هر چه نوشته باشند و هر که نوشته باشد به هیچ وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد.^(۱۷)

دکتر مصدق برای دفاع از آزادی و تحقق حاکمیت ملت بویژه در امر انتخابات به طور صریح در این باره می گوید: قانون ها، مجلس ها و دولت ها همه برای خاطر مردم به وجود آمده اند نه مردم به خاطر آنها. وقتی مردم یکی از آنها را نخواستند می توانند نظر خود را در باره آن ابراز کنند. در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست.^(۱۸) بنابراین:

تنها اراده قاطبه افراد ملت، که دولت و مجلس به وجود آنها قائم است، می تواند قضاوت قطعی در این باب بنماید و آن کسانی که ادعا می کنند ملت حق ندارد و نمی تواند در این باره اظهار عقیده کند سخت در اشتباهند. زیرا تنها ملت است که می تواند راجع به سرنوشت خود و سرنوشت مملکت اظهار عقیده کند.^(۱۹)

دکتر مصدق در یکی از آخرین سخنرانی های خود در هنگام نخست وزیری، این هوشیاری را می دهد که مبادا دیکتاتوری این بار در قالب دیگر و به شکل دموکراسی بروز کند:

در حکومت مشروطه تنها یک قدرت اصیل و لایزال موجود است و آن نیروی ملت است که اگر به معنای واقعی بروز و ظهور نکند، مشروطیت و دموکراسی مفهوم حقیقی خود را از دست می دهد و زمینه برای حکومت های فردی فراهم می شود هر چند به ظاهر مجلسی وجود داشته و عده ای به نام نمایندگی در آن جمع شوند.^(۲۰)

بعد عدالت خواهی دکتر مصدق در عمل دکتر مصدق پس از قیام ملی سی تیر ۱۳۳۱ و نخست وزیری مجدد با استفاده از اختیاراتی که از مجلس گرفته بود بلافاصله اصلاحات اجتماعی خود را در جهت تأمین حقوق ملت ایران شروع کرد. این اصلاحات هم شامل حال کشاورزان و روستاییان و هم شامل حال طبقات محروم شهری نظیر

کارگران، معلمان، کارمندان و ... می شد. از جمله این اصلاحات تصویب دو لایحه ای اساسی در کوتاه کردن دست مالکان و فئودال ها و بهره کشی آنان از کشاورزان و روستاییان بود.

لایحه اول شامل ازدیاد سهم کشاورزان بود. طبق این لایحه مالکان از تاریخ ۱۳۳۱/۷/۱۴ موظف شدند:

۲۰ درصد از سهم مالکانه را به دولت بدهند که نیمی از آن به کشاورزان مسترد می شد و نیمی دیگر صرف عمران و آبادی روستاها می گردید. امور عمرانی شامل موارد زیر می شد: تهیه آب آشامیدنی، دفع آفات، آموزش، کمک به روستاییان از کار افتاده، اعطای قرض الحسنه، احداث و تعمیر مساجد و حمام های عمومی و خانه های ارزان قیمت و مدارس عالی و کارخانه های برق، تشویق صنایع محلی.^(۲۱)

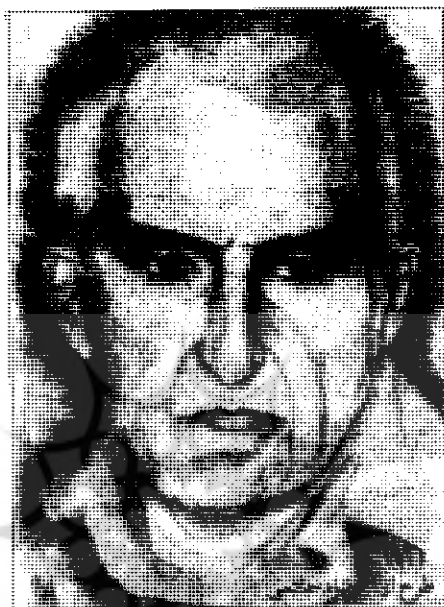
لایحه دوم لایحه الغای عوارض مالکانه در روستاها و بیگاری رعایا بود. هدف از تصویب این لایحه جلوگیری از سوء استفاده مالکان از زارعان از طریق اخذ عوارض مختلف و استثمار و بهره کشی آنان بود. بدین ترتیب، به موجب این لایحه، عوارض مالکانه در روستاها و بیگاری یعنی انجام عملیات رایگان و کارهای مجانی برای مالکان ملغا گردید.

حمایت دکتر مصدق از طبقات محروم نیز به این شرح بود:

افزایش حقوق دبیران و آموزگاران، افزایش حقوق کارمندان دوز پایه، مبارزه با استثمار کارگران توسط کارفرمایان از جمله جلوگیری از ارجاع کارهای سخت به بانوان باردار و اطفال.^(۲۲)

از اقدامات بسیار مترقی و به جای دکتر مصدق که در آن دوران انجام گرفت، تصویب قانون بیمه های اجتماعی در جهت تأمین حقوق کارگران، کارمندان، مشاغل آزاد و خانواده های آنان در سال های مختلف زندگی شان بود. از جمله مواردی که در قانون بیمه های اجتماعی پیش بینی شده بود و ثمرات آن را هنوز بعد از گذشت بیش از نیم قرن به خوبی حس می کنیم عبارتند از: ۱. پیشگیری و کمک های اولیه، ۲. حوادث و بیماری و از کار افتادگی ناشی از غیر کار، ۳. حوادث و بیماری های ناشی از کار، ۴. کمک ازدواج، ۵. حاملگی و وضع حمل، ۶. کمک عائله مندی، ۷. بازنشستگی، ۸. کمک کفن و دفن، ۹. کمک به بازماندگان کارگر متوفی، ۱۰. حقوق ایام بیکاری.^(۲۳)

دکتر مصدق در کنار این گونه اصلاحات و اصلاحات دیگری نظیر ساختن خانه های



آن کسانی که ادعا می کنند ملت حق ندارد و نمی تواند اظهار عقیده کند سخت در اشتباهند. زیرا تنها ملت است که می تواند راجع به سرنوشت خود و سرنوشت مملکت اظهار عقیده کند

رتال جمل علوم انسانی

دیگری اصلاح و اداره نمی‌شود.^(۲۷)

پی‌نوشت‌ها:

۱. نامه‌های دکتر مصدق، محمد ترکمان، نشر هزاران، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۳۳۲.
۲. همان، ص ۳۲۸.
۳. خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق با مقدمه دکتر غلامحسین مصدق، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۵، ص ۳۶۵ و ۳۶۶.
۴. مصدق و حاکمیت ملت، محمد بستنگار، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۸۰، ص ۳۸۸ و ۳۸۹، به نقل از کی استوان سیاست موازنه منفی، انتشارات تهران، جلد ۱، ص ۶۸۷۱.
۵. نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره‌های پنجم و ششم مجلس ششم، انتشارات مصدق، شماره ۷، ص ۲۳۵۲.
۶. مصدق و حاکمیت ملت، همان، ص ۳۸۹، سیاست موازنه منفی، تألیف کی استوان، ص ۶۸۷۱.
۷. نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق، شماره ۷، ص ۷ و ۸.
۸. نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق، هنگام نخست‌وزیری، ص ۵.
۹. مصدق و حاکمیت ملت، ص ۴۲۹.
۱۰. نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق، جلد ۲، دفتر اول، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.
۱۱. خاطرات و تألمات دکتر مصدق، همان، ص ۳۷۸.
۱۲. مصدق و نهضت ملی ایران، انتشارات خارج از کشور، ص ۷۸.
۱۳. مصدق و حاکمیت ملت، ص ۵۹۱، به نقل از مدافعات مصدق و رولین در دیوان بین‌المللی لاهه، ص ۳۰۷.
۱۴. دکتر مصدق در دادگاه تجدیدنظر نظامی، به کوشش جلیل بزرگمهر، ص ۲۴۵۲۳.
۱۵. نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس، ج ۱، دفتر اول، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.
۱۶. مصدق و حاکمیت ملت، ص ۴۷۶.
۱۷. احمد خلیل‌الله مقدم، تاریخ مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران به رهبری دکتر مصدق، انتشارات حزب ایران، ص ۲۲۱.
۱۸. مصدق و حاکمیت ملت، ص ۵۱۸.
۱۹. همان، ص ۵۱۷.
۲۰. همان، ص ۵۹۱.
۲۱. جیمز بیل و...، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۸، مقاله حبیب‌لاجوردی، ص ۱۳۰.
۲۲. مصدق و حاکمیت ملت، ص ۶۰ و ۶۱.
۲۳. همان، ص ۶۲۶۴.
۲۴. نطق‌ها و مکتوبات دکتر مصدق، ج ۲، دفتر سوم، شماره ۸، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.
۲۵. همان، دفتر دوم، شماره ۶، ص ۴۶ و ۴۷.
۲۶. مجله آشفته، دوره نهم، شماره ۲، ص ۱۰.
۲۷. مصدق و حاکمیت ملت، ص ۴۳۱.

ارزان قیمت برای افراد کم درآمد و مبارزه با بهره‌کشی انسان‌ها، دست به اقدامات دیگری در جهت تقویت نظام دموکراسی به صورت کامل و شورایی کردن کشور زد که عبارتند از انتخابی شدن شهردار، تشکیل شورای ده و شهرستان، تشکیل نهادهای شورایی در ادارات دولتی و...

بدین ترتیب دیگر یک وزیر یا رئیس یک نهاد دولتی امکان تصمیم‌گیری فردی و مستبدانه را در مورد مجموعه تحت نظر خود نداشت و تصمیم‌گیری مطابق قانون به شوراها واگذار می‌شد. اما این اقدامات اصلاحی و تلاش دکتر مصدق در جهت نهادینه کردن دموکراسی چه در بعد سیاسی و چه در بعد اقتصادی با مخالفت‌های جدی و تهاجمی مالکان، فنودال‌ها و... همچنین وابستگان به دربار سلطنتی روبرو گردید. به طوری که برخی از نمایندگان مجلس نیز تحت تأثیر قرار گرفته و بدین ترتیب حکومت دکتر مصدق را در فشار و منگنه قرار دادند تا از این گونه کارها منصرف شود. در این ایام است که سیل اتهامات از هر طرف به سوی دکتر مصدق سرازیر شد. از اتهام بی‌دینی و ضد مذهبی بودن وی گرفته تا اتهام دیکتاتوری و سلطه طلبی. مرحوم دکتر مصدق در نطق‌های خود در مورد این کارشکنی‌ها و مخالفت‌ها چنین می‌گوید:

... در مقابل این همه کارشکنی و بهانه جویی، در برابر سیل مشکلات و معضلاتی که بیشتر از یک قرن و نیم است که به وطن ما هجوم آورده و در ایامی که حتی ملت‌های قوی و بزرگ نیز بر سر استقلال و موجودیت خود می‌لرزند، غیر از اجرای فرمان ملت چه هدف دیگری ممکن است مشوق این دولت در طی طریق نجات مملکت باشد...^(۲۸)

... آقایان محترم می‌دانند که اصلاحات عمیق و ریشه‌دار همین که از مرحله حرف خارج و به عمل نزدیک شد چون به ضرر مستقیم افرادی تمام می‌شود، مخالفان سرسخت پیدا خواهد کرد که جز با یک دولت متکی به قدرت کامل قانون و مستظهر به عواطف ملت و پشتیبانی مجلس شورای ملی ادامه راه را برای او غیر ممکن و محال باید دانست.^(۲۹)

یکی از نمایندگان مخالف دکتر مصدق بعدها در مجلس هیجدهم علت مخالفت خود را با دکتر مصدق چنین بیان می‌کند:

مصدق السلطنه این قانون [یعنی لایحه ازدیاد سهم کشاورزان و لایحه الغای عوارض مالکانه در روستاها و بیگاری رعایا] را بی جهت به تصویب رسانده، مرغ مال مالک است، جوجه هم مال مرغ است، تخم مرغ هم مال مرغ است. چرا این همه مرغ، جوجه، گاو، گوسفند، شیر، پنیر و روغن را رعایای دهات تصاحب کنند و به مالک چیزی نرسانند.^(۳۰)

دفاع و عملکرد دکتر مصدق از موازین آزادی خواهانه و مردمی، در راه استقلال سیاسی و اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی جهت استقرار حاکمیت مردم با وجود همه مانع تراشی‌ها و کارشکنی‌ها هنوز به گوش می‌رسد و ما را بدان فرامی‌خواند. در پایان بار دیگر با ذکر این جمله دکتر مصدق، به سخنان خود خاتمه می‌دهیم:

"ایران جز از طریق دموکراسی و غیر از عدالت اجتماعی، با رویه"